

بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر هزینه های نمایندگی

روح اله قیطاسی*

فرشاد سبزی علی پور**

فتح اله حاجی زاده***

چکیده:

این مطالعه به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر هزینه های نمایندگی می پردازد. هزینه های نمایندگی با متغیرهای فرصت های رشد و تعامل بین فرصت های رشد و جریان نقد آزاد اندازه گیری میشود. از رگرسیون داده های پانل و روش اثرات ثابت برای آزمون فرضیات استفاده شد. جامعه آماری پژوهش، کلیه شرکت های غیرمالی حاضر در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۱۳۹۱-۱۳۸۶ میباشد. نتایج نشان میدهد بین دوره تصدی حسابرسی با هزینه های نمایندگی رابطه معنادار و مثبت وجود دارد. بنابراین شرکت هایی که به دلیل شدت تضاد منافع در آنها دارای هزینه های نمایندگی بیشتری هستند، دارای روابط پایدارتری با حسابرسی بوده و در نتیجه دوره تصدی حسابرسی در آنها بیشتر است.

واژه های کلیدی: دوره تصدی حسابرسی، هزینه های نمایندگی، جریان نقد آزاد، کیو توبین

* عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه ایلام، ایران

** عضو هیات علمی گروه حسابداری دانشگاه ایلام، ایران

*** سرحسابرس دیوان محاسبات استان ایلام و مدرس دانشگاه (نویسنده مسئول)

hajizadeh2452@gmail.com

مقدمه

اختیار و قدرت تصمیم گیری در شرکت های سهامی عام که ناشی از ابتکار عمل و سرمایه بخش خصوصی است در حیطه و کنترل گروه‌هایی از طبقات مدیریت است. مدیرانی که اقتصاد کشور تحت نفوذ تصمیمات آنها است و برنامه ریزی بنگاه‌ها را به نحوی انجام می‌دهند که چه بسا با منافع طبقه سهامدار و یا حتی اقتصاد ملی در تضاد باشد. با آغاز انقلاب صنعتی در قرن نوزدهم و با توسعه شرکت های سهامی، انبوه سرمایه‌گذاری به وجود آمدند که در اداره واحدهای اقتصادی نقش مستقیمی نداشتند و تنها از طریق انتخاب هیات مدیره و نظارت بر آنها بر اداره واحد اقتصادی همت می‌گمارند. حاصل این فرآیند، تفکیک مالکیت از مدیریت شرکتها بود. با جدایی مالکیت از مدیریت این امکان بالقوه وجود دارد که مدیران تصمیماتی را اتخاذ کنند که در جهت منافع آنان و در جهت عکس منافع سهامداران باشد (ولپور و خرم، ۱۳۹۰). این تفکر منجر به پیدایش تئوری نمایندگی شد. با شکلگیری رابطه نمایندگی، افراد ذینفع جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع باید متحمل هزینه های نمایندگی شوند. مدیر که در کانون این تضاد منافع قرار دارد، با ارائه اطلاعات مالی شرکت سعی می‌کند تا هزینه های نمایندگی را کاهش دهد. اما به علت اختیارات مدیریت و نیاز به نظارت بر عملکرد مدیر، قضاوت کارشناسانه حسابرس مستقل مطرح میشود (رجبی، ۱۳۸۵). استفاده از خدمات حسابرس مستقل برای شرکت هزینه‌هایی را در پی دارد که ناشی از ارزیابی حسابرس از ریسک و حجم کار مورد رسیدگی است. یکی از عوامل مؤثر بر ریسک حسابرسی، وجود مسائل نمایندگی مرتبط با جریان های نقدی آزاد است. با عنایت به این توضیحات، در این تحقیق فرضیه‌ی مربوط به جریان های نقدی آزاد در چارچوب ادبیات حسابرسی در نظر گرفته شده است.

مبانی نظری تحقیق

دوره تصدی حسابرس

پدیده تعویض حسابرس به عنوان ابزاری در جهت تقویت استقلال حسابرس و بهبود کیفیت حسابرسی ابتدا از سوی دانشگاهیان مطرح شد و سپس در کانون توجه حرفه حسابداری و عموم جامعه قرار گرفت. صاحب‌نظران حرفه حسابداری چند دهه است که نیاز به چرخش یا تعویض حسابرس را مطرح کرده‌اند اما بعد از رسواییهای مالی شرکت‌هایی نظیر انرون و ورلداکام این موضوع به یکی از مباحث مهم دولتها و ارگانهای ملی نظیر کارگروه اتحادیه اروپا، انجمن حسابداران رسمی آمریکا و کمیسیون بورس اوراق بهادار نیز تبدیل شده است. افزایش توجه به موضوع استقلال حسابرسان و قدرت حرفهای حسابرس مستقل باعث شده است تا در سالهای اخیر پدیده تعویض حسابرس به زمینه مهمی در تحقیقات و مباحث حرفهای تبدیل شود (رجبی، ۱۳۸۵).

علاوه بر این، قانون چرخش اجباری حسابرسان و محدود کردن دوره تصدی آنها، در برخی کشورها تصویب شد. به عنوان مثال، می توان به تصویب قانون ساربینز-آکسلی در جولای ۲۰۰۲ اشاره کرد. بخش ۲۰۳ این قانون، مؤسسات حسابرسی را ملزم میکند شریکان و مدیران خود را بعد از پنج سال پی در پی کار حسابرسی برای یک صاحبکار تغییر دهند. الزام سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به تغییر حسابرسان شرکت ها مسلماً ناشی از نگرانی دست اندرکاران و مسئولان بازار سرمایه در مورد استقلال و کیفیت حسابرسی است. بنابر تبصره ۲ ماده ۱۰ دستورالعمل مؤسسات حسابرسی معتمد سازمان بورس مصوب ۸۶/۵/۸ شورای عالی بورس، مؤسسات حسابرسی مجاز نیستند بعد از گذشت چهار سال، دوباره سمت حسابرسان مستقل و بازرسان قانونی شرکت واحدی را بپذیرند (قانون بازار سرمایه).

چگونگی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی در ادبیات و پژوهش های حسابرسی به میزان زیادی مورد بحث و توجه و با نتایج کاملاً متفاوت در قالب دو نظریه، فرضیه تخصص حسابرسان و فرضیه استقلال حسابرسان ارائه شده است. فرضیه تخصص حسابرسان بر این باور است که با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی، کیفیت حسابرسی افزایش می یابد. برعکس، فرضیه استقلال معتقد به کاهش کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است.

براساس فرضیه تخصص حسابرسان توانایی حسابرسان در کشف ارائه نادرست اقلام در صورت های مالی تهیه شده توسط مدیریت تحت تأثیر دانش خاص حسابرسان از صاحبکار است که این دانش در طی سنوات اولیه حسابرسی و به تدریج برای حسابرسان به وجود می آید. این فرضیه که براساس عدم تقارن اطلاعاتی که بین حسابرسان و صاحبکار در سال های اولیه دوره تصدی استوار است، طی زمان و با کسب شناخت حسابرسان از محیط واحد تجاری برطرف میشود. این فرآیند تدریجی شناخت واحد مورد رسیدگی در طی زمان باعث ایجاد یک مزیت رقابتی برای حسابرسان در کشف موارد ایراد مندرج در صورت های مالی میشود. فقدان چنین شناختی برای حسابرسان در سال های اولیه تصدی حسابرسی صاحبکار ممکن است منجر به تأثیر منفی روی کیفیت حسابرسی شود (آرل و همکاران، ۲۰۰۵). در نتیجه، با گذشت زمان و با افزایش شناخت حسابرسان از محیط واحد تجاری و ریسک های مرتبط با آن، حسابرسان به میزان کمتری بر برآوردهای مدیریت اتکا کرده، با استقلال بیشتر از مدیریت صاحبکار، قادر به افزایش کیفیت حسابرسی خواهند بود.

فرضیه استقلال حسابرسان براساس دلایل زیر معتقد به کاهش در کیفیت حسابرسی با افزایش طول دوره تصدی حسابرسی است:

۱) در طی زمان انگیزه حسابرسان به سمت حفظ صاحبکار و کسب سود از محل حسابرسی آن گرایش پیدا میکند. موضوع مزایای خاص صاحبکار که فقط در طی زمان برای حسابرسان ایجاد میشود، ممکن است باعث ایجاد وابستگی مالی حسابرسان به صاحبکار شده، این موضوع باعث کاهش استقلال حسابرسان شود.

۲) افزایش طول دوره تصدی حسابرسی ممکن باعث ایجاد حس خودباوری شناختی در حسابرس نسبت به صاحبکار شده و این باعث شود که حسابرسان به جای ارزیابی و بررسی موارد ادعا شده توسط مدیریت در صورت های مالی به پیش بینی نتایج ارزیابی پرداخته، از روش های رسیدگی عادی و تکراری ناکارآمد استفاده کنند؛

۳) دوره بلندمدت تصدی حسابرسی ممکن است منجر به ایجاد روابط نزدیک دوستانه بین حسابرس و مدیریت صاحبکار شده به نحوی که باعث وابستگی روحی شده و در عمل منجر به تعارض منافع برای حسابرس شده، استقلال حرفه‌ای حسابرس را مخدوش سازد (آرل و همکاران، ۲۰۰۵). تبعات کاهش استقلال حسابرس در دوره تصدی بلندمدت شامل افزایش احتمال کنار آمدن حسابرسان با تمایل مدیریت برای پذیرفتن شیوه های خاص گزارشگری آنها و یا احتمال تبانی بین حسابرس و مدیریت است.

حامیان تغییر حسابرس بر این باورند که در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که خواهند توانست در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت و قضاوت بی طرفانه تری را اعمال کنند. حضور طولانی مدت حسابرس در کنار صاحبکار، موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نظر مدیریت صاحبکار میشود؛ وضعیتی که استقلال و بیطرفی او را مخدوش میکند (رجبی، ۱۳۸۵). همچنین آنها تمایل حسابرسان را به حفظ صاحبکار از طریق حمایت از او دلیل دیگری برای تصویب قوانین محدود کننده مطرح میکنند؛ چرا که حسابرس در سال های اولیه فعالیت برای صاحبکار جدید متحمل هزینه های اولیه ای میگردد که به منظور جبران آنها، به حفظ صاحبکار خود تمایل دارد (دیویس و همکاران، ۲۰۰۰). در مقابل، مخالفان تغییر اجباری حسابرس عقیده دارند عوامل دیگری هست که حسابرسان را به حفظ استقلال وادار میکند؛ به عنوان مثال تلاشی که حسابرسان در جهت حفظ اعتبار و شهرت به کار می گیرند و یا ترس از احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه آنها ساختارهایی است که مانع رفتارهای نامناسب حسابرسان میشود. آنها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان، شناخت بهتری از فعالیت های صاحبکار به دست آورده و تجربه بیشتری کسب میکنند و به این ترتیب توانایی آنها در مورد مناسب بودن یا نبودن روش های حسابداری و گزارشگری افزایش می یابد. بنابراین رابطه طولانی مدت حسابرس و صاحبکار می تواند کیفیت حسابرسی را بهبود بخشد (چن و همکاران، ۲۰۰۴). به اعتقاد آنها تغییر حسابرس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه گذاران به اتکالپذیری صورت های مالی کاهش، و از اینرو اعتبار حسابرسی کاهش یابد. از سوی دیگر هزینه های حسابرسی، چه برای حسابرس و چه برای صاحبکار، افزایش خواهد یافت (سایت، ۲۰۰۴).

مخالفان چرخش اجباری همچنین بیان میکنند که استانداردها و روش های جاری، منافع مطرح شده در دیدگاه حامیان چرخش اجباری را فراهم میکند و چرخش عادی کارکنان و مدیریت صاحبکار، بررسیهای شریک دوم و بررسی همپیشگان همانند چرخش اجباری عمل میکند. در همین راستا، باتز و همکاران (۱۹۸۲) در تحقیق خود شواهدی ارائه کردند که همانطور که چرخش حسابرس می تواند به سطوح پایینتر اهمیت منجر گردد، چرخش کارکنان نیز می تواند تأثیرات مشابهی داشته باشد.

حسابرسی و نظریه نمایندگی

از مهمترین ویژگیهای شرکت های سهامی تفکیک مالکیت از مدیریت آنها است. بر این اساس برای مدیران امکان دسترسی انحصاری به بخشی از اطلاعات و نیز تهیه و ارائه اطلاعاتی همچون اطلاعات مالی بوجود آمده است. این ویژگی این امکان و انگیزه را برای مدیران به وجود میآورد تا در جهت منافع خود و در تضاد با منافع سایر گروه ها اطلاعات را دستکاری کنند. یکی از نظریه هایی که به تجزیه و تحلیل چنین تضادهایی می پردازد، نظریه نمایندگی است (پائول و همکاران، ۲۰۰۹). وجود رابطه نمایندگی متضمن ایجاد هزینه های نمایندگی است.

به عبارت دیگر هر چه هزینه های نمایندگی در یک شرکت افزایش یابند، نشاندهنده افزایش شدت تضاد منافع در آن شرکت است (جنسن و مکلینگ، ۱۹۷۶). با شکلگیری رابطه نمایندگی، افراد ذینفع جهت همسو ساختن منافع سایرین با خود یا به حداقل رساندن آثار ناشی از تضاد منافع باید متحمل هزینه های نمایندگی شوند. مدیر که در کانون این تضاد منافع قرار دارد، با ارائه اطلاعات مالی شرکت سعی می کند تا هزینه های نمایندگی را کاهش دهد. اما به علت اختیارات مدیریت و نیاز به نظارت بر عملکرد مدیر، قضاوت کارشناسانه حسابرِس مستقل مطرح میشود (گول و تسوی، ۱۹۹۸). با وجود اینکه اعتقاد بر این است که حسابرسی به عنوان ابزاری جهت کاهش هزینه های نمایندگی است، لیکن در انتخاب حسابرِس موازنه بین هزینه های نمایندگی و سایر هزینه های مربوط به تعویض حسابرِس موضوعی است که در ادبیات حسابرسی مطالب اندکی در مورد آن وجود دارد. در سالهای اخیر به دلیل بحرانهای مالی، تضاد بین منافع نمایندگی و هزینه های تعویض حسابرِس در کانون توجه مباحث مربوط به طول دوره تصدی حسابرِس قرار گرفته است.

موافقان بر این باورند که تغییر اجباری حسابرِس منجر به افزایش استقلال حسابرِس میگردد و این موضوع به نوبه خود باعث افزایش کیفیت حسابرسی و صورتهای مالی و در نتیجه افزایش خالص منافع نمایندگی میگردد. در حالی که مخالفان مدعی هستند که هزینه های مربوط به کاهش طول دوره تصدی و تعویض اجباری حسابرِس خیلی بیشتر از منافع نمایندگی است (بلوین و همکاران، ۲۰۰۷). تصمیم گیری راجع به کاهش طول دوره تصدی و تعویض حسابرِس غالباً با توجه به میزان کاهش در هزینه های نمایندگی و یا بهبود کیفیت حسابرسی اتخاذ میگردد. به همین دلیل انتظار میروود طول دوره تصدی حسابرِس با تغییر هزینه های نمایندگی رابطه معنی داری داشته باشد.

به طور کلی، مطابق با ادبیات نظریه نمایندگی، جنسن و مک لینگ (۱۹۷۶) به منظور کاهش تعارضات نمایندگی، هزینه های نمایندگی را در مجموع به شرح زیر تعریف میکنند:

(۱) **مخارج کنترل مدیر توسط مالک:** این مخارج شامل تلاشهایی است که از سوی مالکان در راستای کنترل رفتار مدیران و از طریق محدودیت در بودجه، طرح های پاداش، استفاده از خدمات حسابرِس مستقل و غیره انجام میگردد.

(۲) **مخارج التزام:** منابع صرف شده توسط مدیران جهت جلب اطمینان مالکان در عدم انجام فعالیت هایی که به رفاه آنها صدمه میزند.

(۳) زیان باقیمانده: در اکثر روابط نمایندگی مالکان و مدیران متحمل هزینه های نظارت و التزام میگردند. با این وجود کماکان تصمیمات مدیران با تصمیمات حداکثر کننده رفاه مالکان همسو نیست، به مبلغ ریالی کاهش در رفاه مالکان در اثر این عدم همسویی زیان باقیمانده گفته میشود.

جریان های نقد آزاد

محققان برای بررسی رابطه نمایندگی به مطالعه هزینه های نمایندگی به عنوان معیار تأییدکننده رابطه نمایندگی و مشکل تضاد منافع پرداخته اند. در این راستا اندیشمندان تلاش نموده اند تا با اندازه گیری این هزینه ها، رابطه نمایندگی را مطالعه کنند. اما محققان در اندازه گیری هزینه های نمایندگی با مشکل مواجه هستند. در راستای حل این مشکل پژوهشگران استفاده از شاخص یا شاخص هایی را پیشنهاد نموده اند که معرف هزینه های نمایندگی در یک شرکت باشند تا بدین وسیله بتوان رابطه نمایندگی و تضاد منافع حاکم بر آن را بررسی نمود (محمدی خشوئی، ۱۳۸۶). تاکنون از سه معیار نسبتهای کارایی، تعداد شرکت های تحصیل شده و تعامل بین جریان های نقد آزاد و فرصت های رشد شرکت برای اندازه گیری هزینه های نمایندگی استفاده شده است. در این تحقیق معیار سوم مورد توجه قرار گرفته است. به عبارتی دیگر، هزینه های نمایندگی به عنوان تابعی از تعامل بین جریان های نقد آزاد و فرصت های رشد شرکت در نظر گرفته شده است. جریان نقد آزاد معیاری برای اندازه گیری عملکرد است و وجه نقدی را نشان میدهد که شرکت پس از انجام مخارج لازم برای نگهداری یا توسعه دارایی ها، در اختیار دارد. جریان نقد آزاد از این حیث دارای اهمیت است که به شرکت اجازه میدهد تا فرصت هایی را پیگیری کند که ارزش سهامدار را افزایش میدهد.

جنسن در سال ۱۹۸۶ ادعا نمود که جریان های نقد آزاد به خاطر افزایش احتمال سرمایه گذاری این وجوه در پروژه هایی که برای شرکت ایجاد ارزش نمی کند، مشکلات نمایندگی ایجاد می کند. وی همچنین اظهار داشت که تضاد منافع بین سهامداران و مدیران احتمالاً در شرکت هایی با جریان های نقد آزاد بالا و رشد کم بیشتر باشد. جنسن فرضیه ای را به این صورت مطرح نمود که در شرکت هایی با جریان های نقد آزاد بالا و رشد کم اغلب مدیران ترغیب میشوند که وجوه مذکور را در فعالیتهایی بکار گیرند که لزوماً به حداکثرسازی ارزش سهامداران منتج نمیشود. به اعتقاد جنسن (۱۹۸۶) با توجه به تئوری تضاد منافع بین مدیران و مالکان، نه تنها ممکن است مدیران جریان های نقد آزاد را در طرح هایی با خالص ارزش فعلی مثبت سرمایه گذاری نکنند بلکه حتی ممکن است مدیران در جهت تأمین منافع شخصی خود در کوتاه مدت وجوه مذکور را در طرح هایی با خالص ارزش فعلی منفی نیز سرمایه گذاری کنند و برای پوشاندن و از بین بردن آثار اینگونه سرمایه گذاری-ها دست به مدیریت سود بزنند. وجود تضاد منافع بین مدیران و سهامداران می تواند به مشکلات نمایندگی منتهی شود که براساس نظریه نمایندگی، دارای هزینه است. هزینه های نمایندگی در

نتیجه جداسازی مالکیت و کنترل افزایش پیدا می کند. این تضاد منافع مولد انگیزه لازم برای مدیریت در جهت بهینه نمودن منافع خویش و در نتیجه انجام حرکاتی مانند تحریفات صورتهای مالی است که غالباً زیان سرمایه گذار را در بر دارد. در این شرایط وجود یک سازوکار کنترلی ضرورت می یابد که به صورت نسبی تضمین کننده شفافیت اطلاعات گزارش شده در صورت های مالی باشد. این سازوکار در قالب حسابرسی مالی و توسط حسابرسان مستقل ارائه میگردد.

پیشینه تحقیق

علوی و بذرافشان (۱۳۹۲) به بررسی تأثیر تخصص حسابرس در صنعت بر رابطه بین دوره تصدی حسابرس و کیفیت سود پرداخته اند. نتایج نشان میدهد زمانیکه حسابرس متخصص نیست با افزایش دوره تصدی میزان اقلام تعهدی اختیاری افزایش و کیفیت سود کاهش می یابد. در حالیکه چنانچه حسابرس متخصص باشد با افزایش دوره تصدی، کیفیت سود افزایش مییابد. این نتایج بیانگر این امر است که روابط طولانی مدت حسابرس و صاحبکار در صورتیکه حسابرس متخصص باشد نگران کننده نخواهد بود. عزیزخانی و صفروندی (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر خطای سود پیش بینی شده در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نتایج پژوهش نشان میدهد، در سال های اولیه دوره تصدی حسابرسی، میزان دقت سودهای پیش بینی شده مدیریت افزایش (خطای پیش بینی کمتر) و پس از آن کاهش (خطای پیش بینی افزایش) می یابد.

این نتایج با فرضیه تخصص حسابرس که گویای افزایش کیفیت حسابرسی در سال های اولیه دوره تصدی به دلیل افزایش شناخت حسابرس از صاحبکار و فرضیه استقلال حسابرس که گویای کاهش در کیفیت حسابرسی در سال های بعدی طول دوره تصدی، مطابقت دارد. نتایج این پژوهش شواهد تجربی درباره چرخش اجباری مؤسسات حسابرسی فراهم میآورد. علوی و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر مسائل نمایندگی ناشی از جریان های نقدی آزاد شرکت ها بر قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل پرداخته است. نتایج تحقیق نشان میدهد که حق الزحمه حسابرسی در شرکت هایی که جریان های نقد آزاد و فرصت های رشد آنها، زیاد می باشد، بالاتر از شرکت هایی است که جریانهای نقد آزاد آنها پایین اما فرصتهای رشد بالایی دارند. به علاوه در شرکت هایی که جریان های نقد آزاد و فرصت های رشد آنها بالا باشد، با افزایش میزان بدهیها میانگین حق الزحمه ی حسابرسی افزایش می یابد. اما بر طبق نتایج حاصل، افزایش میزان سود تقسیمی موجب کاهش مسئله ی نمایندگی ناشی از جریان های نقد آزاد نمیشود. خلیل زاده و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرس بر ویژگی های کیفی سود در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته اند. نتایج تحقیق دلالت بر عدم تأثیر دوره تصدی حسابرس بر ویژگی های کیفی سود دارد. بنابراین راهکار چرخش الزامی حسابرس به منظور بهبود کیفیت سود موثر نمیباشد. کاشانی - پور و همکاران (۱۳۹۱) به این نتیجه دست یافتند که بین اقلام تعهدی اختیاری و دوره تصدی حسابرسی

رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کرمی و همکاران (۱۳۹۰) رابطه میان طول دوره تصدی حسابرسی و میزان مدیریت سود را مورد بررسی قرار دادند. نتایج نشان داد با افزایش دوره تصدی حسابرسی، انعطاف پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری افزایش مییابد. به عبارتی رابطه طولانی مدت میان صاحبکار و حسابرسی، باعث افزایش انعطاف‌پذیری مدیریت در استفاده از اقلام تعهدی اختیاری میگردد؛ اما این استفاده بیشتر در جهت کاهش سود (محافظه کارانه) است. نمازی و همکاران (۱۳۹۰) نشان دادند که بین مدیریت سود و دوره تصدی حسابرسی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد. رجبی (۱۳۸۵) نشان داد که حضور طولانی مدت حسابرسی در کنار صاحبکار موجب ایجاد تمایلاتی برای حفظ و رعایت نقطه نظرات مدیریت صاحبکار میشود، وضعیتی که استقلال و بیطرفی او را مخدوش می کند. کرمی و بذرافشان (۱۳۸۸) در مطالعه خود نشان دادند که با افزایش دوره تصدی، محافظه کاری نیز افزایش مییابد و چرخش اجباری حسابرسی اثر معکوس بر روی محافظه کاری سود دارد.

گرفین و همکاران (۲۰۱۰)، به بررسی ارتباط بین جریان های نقدی آزاد، فرصت های رشد با حق الزحمه حسابرسی پرداختند و دریافتند جریانهای نقدی و فرصتهای رشد، ریسک ذاتی حسابرسی و تلاش حسابرسان برای دستیابی به سطح معقول ریسک حسابرسی را تحت تأثیر قرار میدهند. همچنین این محققان استدلال کردند که وجود میزان بهینه بدهی، تقسیم سود بالا و همچنین باز خرید سهام شرکت، باعث کاهش جریانهای نقدی آزاد در دسترس و بنابراین کاهش مسئله نمایندگی و میزان حق الزحمه درخواستی حسابرسی میشود. پائول و همکاران (۲۰۰۹) به شواهدی دست یافتند که نشان داد شرکت های با جریان های نقدی آزاد بالا و رشد کم، حق الزحمه حسابرسی بالایی میپردازند که این امر بیانگر این است که حسابرسان در چنین شرکت هایی مشکلات نمایندگی جریان های نقد آزاد را تشخیص داده اند. اما تحقیقات گول و تسویی (۱۹۸۸) و فرگوسن و تیلور (۲۰۰۷) نشان دادند که شرکت های با جریان های نقد آزاد و رشد بالا نیز حق الزحمه حسابرسی بالایی دارند. بلوین و همکاران (۲۰۰۷) به بررسی عوامل تأثیرگذار بر انتخاب حسابرسی جدید بعد از فروپاشی موسسه آرتور اندرسون پرداختند. نتایج تحقیق نشان داد شرکت هایی که مسائل نمایندگی بیشتری دارند به احتمال زیاد روابط پایدار و مستحکمتری با حسابرسی قبلی خود برقرار خواهند کرد. چوی و دوگار (۲۰۰۵) نشان دادند با افزایش دوره تصدی، تمایل حسابرسان به انتشار گزارش حاوی شرط تداوم فعالیت کاهش می یابد. والکر و همکاران (۲۰۰۱) نیز مشاهده کردند که میزان شکست های حسابرسی در روابط طولانی حسابرسی- صاحبکار کمتر است. کاپلی و دوسیت (۱۹۹۳) نیز دریافتند حسابرسیهای با کیفیت ضعیف با افزایش دوره تصدی افزایش می یابد و همکاریهای طولانی مدت حسابرسی- صاحبکار، احتمال صدور گزارش مقبول از سوی حسابرسان را افزایش میدهد.

با توجه به مطالب یاد شده این سؤال مطرح میشود که آیا افزایش دوره تصدی حسابرسی، باعث افزایش هزینه های نمایندگی از سوی صاحبکار میشود یا خیر؟ در همین راستا، این تحقیق به دنبال بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و هزینه های نمایندگی ناشی از جریان نقد آزاد و فرصت های رشد در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است.

فرضیه تحقیق

با عنایت به توضیحاتی که در بخش مبانی نظری ارائه شد، تصمیم گیری راجع به تغییر حسابرس با توجه به میزان کاهش در هزینه های نمایندگی و یا بهبود کیفیت حسابرسی اتخاذ میگردد به همین دلیل انتظار میرود طول دوره تصدی حسابرس با تغییر در هزینه های نمایندگی رابطه معنی داری داشته باشد. بنابراین فرضیه تحقیق به صورت زیر تدوین میگردد:

فرضیه تحقیق: بین دوره تصدی حسابرسی و هزینه های نمایندگی رابطه معناداری وجود دارد.

متغیرهای تحقیق

متغیر وابسته

در این تحقیق از معیارهای زیر برای اندازه گیری هزینه های نمایندگی استفاده شده است:

۱-نسبت Q-توبین (فرصت های رشد): این نسبت عموماً به عنوان معیاری از عملکرد مدیریت به کار میرود. اعتقاد بر این است که عملکرد ضعیف مدیریت، احتمالاً باعث اخذ تصمیم-هایی میشود که هزینه های نمایندگی را افزایش خواهد داد. از این رو، نسبت Q-توبین پایین تر که بیانگر عملکرد ضعیف مدیران است، نشاندهنده وجود مشکلات نمایندگی است. در پژوهش حاضر، مطابق با دوکاس و همکاران (۲۰۰۰) و جرکوس و همکاران (۲۰۱۰) نسبت Q-توبین از طریق رابطه زیر محاسبه میشود:

$$Tobins\ Q = \frac{MVOCE + PSLV + BVOLTD - (BVOSHTA - BVOSHTL)}{BVOTA}$$

که در آن؛ MVOCE: ارزش بازار سهام عادی در پایان سال، PSLV: ارزش نقدشوندگی سهام ممتاز در پایان سال، BVOLTD: ارزش دفتری بدهی های بلندمدت در پایان سال، BVOSHTA: ارزش دفتری دارایی های جاری در پایان سال، BVOSHTL: ارزش دفتری بدهی های جاری در پایان سال و BVOTA: ارزش دفتری کل دارایی ها در پایان سال است.

۲-تعامل بین فرصت های رشد و جریان های نقدی آزاد: به اعتقاد جنسن (۱۹۸۶) ترکیب جریان های نقدی آزاد با فرصت های رشد پائین باعث ایجاد هزینه های نمایندگی می شود. نگهداری جریان های نقدی آزاد موجب کاهش توانایی بازار سرمایه برای نظارت بر تصمیم های مدیران میشود. از این رو، افزایش جریان های نقدی آزاد موجب افزایش منابع تحت کنترل و قدرت مدیران میشود که در نتیجه افزایش هزینه های نمایندگی را به دنبال خواهد داشت. در پژوهش حاضر، مطابق با پژوهشهای دوکاس و همکاران (۲۰۰۰) و جرکوس و همکاران (۲۰۱۰)، شرکت های مورد بررسی با استفاده از میانۀ نسبت Q-توبین به دو گروه، یعنی شرکت های با رشد بالا و شرکت های با رشد پایین تقسیم میشود. به شرکت هایی که در آنها نسبت Q-توبین بالاتر از میانۀ باشد عدد

صفر و به شرکت هایی که در آنها نسبت Q-توبین پایینتر از میانه باشد عدد یک اختصاص مییابد. ضمناً، برای محاسبه جریان های نقد آزاد شرکت به صورت زیر محاسبه میشود:

$$FCFF = CFO - FCInv$$

که FCFF جریان نقد آزاد شرکت، CFO جریان نقد عملیاتی و FCInv خالص سرمایه گذاری در دارایی های ثابت میباشد. جریان نقد عملیاتی در صدر صورت جریان وجه نقد می آید و خالص مخارج سرمایه ای انجام شده (وجه نقد پرداختی بابت خرید دارایی های ثابت) از بخش فعالیت های سرمایه گذاری صورت مزبور اخذ و از تفاضل آنها جریان نقد آزاد محاسبه می شود.

با ضرب دو عامل بالا در یکدیگر (نسبت Q-توبین و جریان های نقد آزاد)، هزینه های نمایندگی بدست می آید. در نتیجه، بالاتر بودن حاصل ضرب مذکور بیانگر هزینه های نمایندگی بالاتری برای شرکت است. جریان نقد آزاد معیاری برای اندازه گیری عملکرد است و وجه نقدی را نشان میدهد که شرکت پس از انجام مخارج لازم برای نگهداری یا توسعه دارایی ها، در اختیار دارد. جریان نقد آزاد از این حیث دارای اهمیت است که به شرکت اجازه میدهد تا فرصتهایی را پیگیری کند که ارزش سهامدار را افزایش میدهد. بدون وجه نقد، توسعه محصولات جدید، انجام تحصیلهای تجاری، پرداخت سودهای نقدی به سهامداران و کاهش بدهی ها امکانپذیر نمیشود. جریان نقد آزاد از طریق کسر نمودن مخارج سرمایه های از جریان نقد عملیاتی محاسبه میشود. سازمان بورس اوراق بهادار تهران به منظور قابلیت مقایسه شرکت هایی که سهام آنها در بورس پذیرفته میشود، برای محاسبه جریان نقد آزاد و افشای آن در امیدنامه پذیرش و درج شرکت ها، از این روش محاسباتی استفاده میکند.

جریان نقد عملیاتی در صدر صورت جریان وجه نقد می آید و خالص مخارج سرمایه های انجام شده هم از بخش فعالیت های سرمایه گذاری صورت مزبور اخذ و از تفاضل آنها جریان نقد آزاد برای ۳ سال گذشته و (۳ سال آینده در صورت وجود اطلاعات) محاسبه میشود. جریان نقد آزاد هر سهم معیاری است که سودآوری مالی شرکت مورد رسیدگی را از طریق تقسیم جریان نقد آزاد بر تعداد سهام منتشره نشان می دهد. جنسن (۱۹۸۶) ادعا می کند که جریان های نقدی آزاد به دلیل افزایش احتمال سرمایه گذاری های کاهنده ارزش، باعث بروز مسائل نمایندگی در شرکت میشوند. همچنین وی بیان میدارد که ممکن است تضاد منافع بین سهامداران و مدیران سبب شدت بیشتر این موضوع برای شرکت های با جریان های نقدی آزاد زیاد و فرصت های رشد پایین شود. همچنین نتایج سایر تحقیقات از جمله بلانچارد و همکاران (۱۹۹۴) مؤید فرضیه مطرح شده جنسن بود و آنان بیان کردند که عموماً مسائل نمایندگی در شرکت های با جریان های نقدی آزاد زیاد و فرصت های رشد آتی پایین، پر هزینه تر از سایر شرکتهای است. بنابراین میتوان نتیجه گرفت با افزایش تضاد منافع به دلیل وجود مسائل نمایندگی ناشی از جریان های نقد آزاد تقاضا برای حسابرسی و فعالیتهای اطمینانبخش افزایش خواهد یافت.

متغیر مستقل

در تحقیق حاضر، دوره تصدی حسابرس به عنوان متغیر مستقل در نظر گرفته میشود.

متغیرهای کنترلی

دوکاس و همکاران (۲۰۰۵) نشان دادند که شرکت های بزرگتر با توجه به پیچیده بودن آنها و مشکلات بیشتری که مالکان آنها در بدست آوردن اطلاعات شرکت دارند، احتمالاً دارای هزینه نمایندگی بالایی میباشند. در این تحقیق نیز متغیر اندازه شرکت به عنوان متغیر کنترل استفاده شده است. همچنین در مدلهای تحقیق متغیر نسبت بدهی (Lev)، نوع حسابرس (Big)، تغییر حسابرس (New) و نوع اظهارنظر (OPIN) نیز به عنوان متغیر کنترل در نظر گرفته میشود.

مدل رگرسیون تحقیق

با توجه به توضیحاتی که در فوق در خصوص انتخاب متغیرهای تحقیق ارائه گردید، مدل رگرسیونی چند متغیره تحقیق حاضر که به منظور آزمون فرضیات مورد استفاده قرار میگیرد به شرح زیر میباشد:

$$\text{Agency} = \alpha_0 + \alpha_1 \text{Tenure} + \alpha_2 \text{Size} + \alpha_3 \text{Lev} + \alpha_4 \text{Big} + \alpha_5 \text{New} + \alpha_6 \text{OPIN} + \varepsilon$$

جامعه و نمونه آماری

- جامعه آماری تحقیق عبارت از کلیه شرکتهای پذیرفته در بورس اوراق بهادار تهران میباشد. نمونه آماری به روش حذفی و براساس معیارهای زیر انتخاب شده است:
 - ۱- قبل از سال ۱۳۸۶ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
 - ۲- دوره مالی آنها منتهی به ۲۹ اسفندماه باشد و طی سالهای مذکور تغییر سال مالی نداشته باشند.
 - ۳- از آنجایی که برای محاسبه شاخص Q توبین شرکت نیازمند تعیین ارزش بازار حقوق صاحبان سهام هستیم؛ لذا سهام شرکت در طول اسفندماه حداقل یکبار معامله شده باشد.
 - ۴- جزء شرکت های واسطه گری مالی نباشند.
- با توجه به شرایط ذکر شده، تعداد ۸۰ شرکت در دوره زمانی ابتدای سال ۱۳۸۶ لغایت پایان سال ۱۳۹۱ به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

روش تحقیق

این تحقیق براساس هدف از نوع کاربردی و از لحاظ روش گردآوری اطلاعات از نوع تحقیقات توصیفی بوده و هدف اصلی آن تعیین وجود، میزان و نوع رابطه بین متغیرها است. با توجه به این که تحقیق حاضر به لحاظ هدف از نوع تحقیقات کاربردی است نتایج آن می تواند برای قانونگذاران،

جامعه حسابداران رسمی ایران، سازمان حسابرسی، سرمایه گذاران، سهامداران، و محققان مفید واقع گردد. به منظور جمع آوری داده ها، از نرم افزارهای ره آورد نوین، تدبیر پرداز و سایت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. داده ها از طریق بسته های نرم افزاری Eviews ۶ و Minitab ۱۵ مورد پردازش قرار گرفت. با توجه به اینکه ساختار داده ها، ترکیبی از سریهای زمانی و مقطعی است، استفاده از رگرسیون ساده (مقطعی) و یا رگرسیون سریهای زمانی به تنهایی مناسب نیست. بنابراین در این تحقیق از روش داده های ترکیبی استفاده میشود که سبب میگردد درجه آزادی افزایش یافته و ناهمسانی واریانس و همخطی بین متغیرها کاهش یابد. در چنین مواردی ابتدا باید مشخص گردد که آیا شواهدی دال بر قابلیت ادغام شدن داده ها وجود دارد یا اینکه مدل برای تمام واحدهای مقطعی متفاوت است. در صورت وجود ناهمگنی از روش داده های تابلویی و در غیر این صورت از روش داده های تلفیقی با رویکرد حداقل مربعات معمولی برای تخمین مدل استفاده میشود. برای این منظور آزمون F لیمر انجام میگردد. اگر مشخص شد که مقاطع مورد بررسی ناهمگن و دارای تفاوتهای فردی بوده، روشهای تابلویی مناسبتر هستند، به منظور انتخاب بین اثرات ثابت و تصادفی نیز از آزمون هاسمن استفاده میشود. آماره این آزمون برای تشخیص ثابت یا تصادفی بودن تفاوتهای واحدهای مقطعی محاسبه میشود. نتایج این دو آزمون در جداول ۳ و ۴ ارائه میگردد. در مواردی که از داده های ترکیبی استفاده میشود از مفروضات کلاسیک رگرسیون، همسانی واریانس و عدم وجود خودهمبستگی میان اجزای اخلاص حائز اهمیت است. در این راستا و به منظور رفع ناهمسانی واریانس از روش وایت استفاده شده است. همچنین به منظور تعیین همخطی بین متغیرهای مستقل از آزمون عامل تورم واریانس (VIF) استفاده شده است. در صورتی که مقدار آماره بین ۱ و ۵ باشد، مشکل همخطی وجود ندارد.

یافته های تحقیق

با عنایت به توضیحاتی که ارائه شد، در تحقیق حاضر به منظور بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرِس و هزینه های نمایندگی از دو مدل رگرسیونی استفاده میشود. در مدل اول، متغیر وابسته اندازه گیری هزینه های نمایندگی نسبت کیو تو بین و در مدل دوم متغیر وابسته تعامل بین فرصتهای رشد و جریان نقد آزاد است. در ادامه نتایج مربوط به برازش مدلهای رگرسیونی به منظور آزمون فرضیه تحقیق ارائه میگردد.

به منظور تجزیه و تحلیل داده ها، ابتدا آماره های توصیفی مربوط به متغیرهای لحاظ شده در مدلهای رگرسیونی تحقیق شامل متغیر اندازه (size)، نسبت بدهی (Lev)، نوع حسابرِس (Big) و تغییر حسابرِس (New)، نوع اظهار نظر (Opin)، دوره تصدی حسابرِس (Tenure)، نسبت کیو تو بین (Q)، تعامل بین فرصت های رشد و جریان نقد آزاد (QFCF) در جدول ۱ ارائه میگردد.

جدول (۱): آمارهای توصیفی متغیرهای تحقیق

متغیرها	میانگین	میانه	ماکزیمم	مینیمم	چولگی	کشیدگی
دوره تصدی حسابرسی (Tenure)	۴/۵۴	۴	۹	۱	۰/۰۳	۲/۲۳
اندازه (Size)	۲۸/۴۵	۲۷/۳۹	۴۹/۹۳	۲۳/۶۷	۶/۱۹	۵۹/۳۳
نسبت بدهی (Lev)	۰/۷۴	۰/۶۴	۰/۹۱	۰/۲۲	۰/۳۸	۲/۹۹
نوع حسابرسی (Big)	۰/۴۰	۰/۰۰	۱	۰/۰۰	۰/۳۹	۱/۱۹
تغییر حسابرسی (New)	۰/۱۶	۰/۰۰	۱	۰/۰۰	۲/۳۶	۷/۱۸
نوع اظهار نظر (Opin)	۰/۵۴	۰/۰۰	۱	۰/۰۰	۰/۶۳	۱/۴۰
نسبت کیوتوبین (Q)	۱/۹۵	۱/۵۴	۵/۹۸	۰/۵۲	۲/۱۹	۸/۷۶
تعامل رشد و جریان نقدآزاد (QFCF)	۲۴۶/۱۷	۰/۰۰	۱۲۳۳۳	-۲۸۰۴	۵/۹۷	۴۹/۱۸

به منظور بررسی ارتباط بین متغیرهای مختلف، همبستگی بین متغیرهای تحقیق به دو روش اسپیرمن (بالای قطر اصلی) و پیرسون (پایین قطر اصلی) در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول (۲): ماتریس همبستگی اسپیرمن (پیرسون) پایین (بالای) قطراصلی

	Q	QFF	Tenure	Size	Lev	Big	New	Opin
Q	۱	-۰/۰۸۹	*-۰/۳۸۷	-۰/۱۲۱	-۰/۱۱۸	*-۰/۳۴۲	*-۰/۲۷۹	-۰/۰۱۲
QFF	*-۰/۳۴۵	۱	۰/۰۱۳	-۰/۰۶۶	۰/۰۶۶	-۰/۰۸۹	-۰/۰۳۰	-۰/۰۵۷
Tenure	*-۰/۴۳۹	**۰/۱۲۷	۱	۰/۰۲۷	-۰/۱۱۸	*-۰/۴۳۱	*-۰/۶۷۴	-۰/۰۳۲
Size	-۰/۱۳۶	۰/۰۲۰	۰/۰۸۱	۱	**۰/۱۶۴	**۰/۱۶۴	-۰/۰۹۸	**۰/۱۶۷
Lev	-۰/۰۶۵	-۰/۰۳۹	-۰/۱۶۵	*-۰/۳۴۳	۱	*-۰/۳۴۶	-۰/۰۶۳	۰/۰۹۲
Big	*-۰/۴۸	۰/۰۵۳	**۰/۴۰۹	**۰/۲۸۲	*-۰/۳۴۹	۱	*-۰/۲۰۳	**۰/۱۸۲
New	**۰/۱۷۳	۰/۰۲۸	*-۰/۵۲۱	-۰/۰۹۸	-۰/۰۴۶	*-۰/۱۹۹	۱	۰/۱۴۱
Opin	۰/۰۲۰	-۰/۰۲۷	-۰/۰۸۹	*-۰/۲۳	۰/۲۸۹	*-۰/۱۸۳	۰/۱۳۳	۱

* و ** به ترتیب معنادار در سطح اطمینان ۹۹ و ۹۵ درصد.

همانطوری که در بخش روش تحقیق بیان شد، قبل از برازش مدلها آزمون F لیمر برای انتخاب الگوی ارجح از بین الگوهای داده های تلفیقی یا الگوی داده های تابلویی و سپس آزمون هاسمن به منظور انتخاب بین مدل اثرات ثابت یا تصادفی انجام میشود. نتایج مربوط به این دو آزمون برای هر دو مدل رگرسیونی تحقیق در جدول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول (۳): نتایج آزمون F لیمر

احتمال آماره	آماره F	
۰/۰۰۰	۱۰۹/۰۴۴	مدل اول
۰/۰۰۰	۱۵۰/۷۹	مدل دوم

با توجه به نتایج آزمون F لیمر در جدول ۳، در هر دو مدل مقدار آماره و سطح معناداری بدست آمده حاکی از رد فرضیه صفر و در نتیجه ارجح بودن مدل داده های تابلویی (پانل) است. به منظور انتخاب بین مدل اثرات ثابت یا تصادفی از آزمون هاسمن انجام گردید که نتایج آن در جدول ۴ ارائه شده است.

جدول (۴): نتایج آزمون هاسمن

احتمال آماره	آماره کاسکوئر	
۰/۰۱۷	۱۶/۹۲۷	مدل اول
۰/۰۴۲	۱۲/۲۹۸	مدل دوم

با عنایت به نتایج جدول ۴، آماره کاسکوئر و احتمال آن حاکی از رد فرضیه صفر و در نتیجه ارجح بودن مدل اثرات ثابت در هر دو مدل است.

آزمون فرضیه تحقیق

پس از انتخاب روش پژوهش مناسب با استفاده از آزمونهای F لیمر و هاسمن، مدل‌های رگرسیونی تحقیق برآزش گردید. با عنایت به داده های ارائه شده در جدول ۵ در خصوص مدل اول، متغیر مستقل دوره تصدی حسابداری در سطح اطمینان ۹۹ درصد رابطه معنادار و منفی با متغیر وابسته کیو توپین دارد. بنابراین بین دوره تصدی حسابداری و هزینه های نمایندگی رابطه مثبت وجود دارد. با توجه به احتمال آماره t متغیرهای کنترل اندازه، نسبت بدهی، نوع حسابداری نیز رابطه معنادار و منفی و متغیر نوع اظهار نظر رابطه معنادار و مثبت با متغیر وابسته نسبت کیو توپین دارند. مقدار آماره دوربین-واتسون (۲/۳۱) حاکی از عدم وجود خودهمبستگی است. مقدار آماره F (۳۳/۱۸) و سطح معناداری آن (۰/۰۰) نیز بیانگر معناداری کلی مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹ درصد میباشد.

جدول (۵): نتایج آزمون مدل اول

$\text{Tobins } Q = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Tenure} + \alpha_2 \text{ Size} + \alpha_3 \text{ Lev} + \alpha_4 \text{ Big} + \alpha_5 \text{ New} + \alpha_6 \text{ Opin} + \varepsilon$			
متغیرها	ضریب	آماره آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۱/۶۵۴	۱۰/۰۷۹	۰/۰۰۱
دوره تصدی حسابرس (Tenure)	-۰/۱۵۲	-۲۰/۳۸۰	۰/۰۰۰
اندازه (Size)	-۰/۳۲۱	-۳/۳۰۷	۰/۰۰۰
نسبت بدهی (Lev)	-۱/۸۱۲	۵/۸۲۰	۰/۰۰۰
نوع حسابرس (Big)	-۰/۵۱۶	-۴/۰۸۶	۰/۰۰۰
تغییر حسابرس (New)	۰/۰۱۰	۰/۰۰۹	۰/۹۱۵
نوع اظهار نظر (Opin)	۰/۰۲۳	۵/۵۱۹	۰/۰۰۰
آماره آزمون F		۳۳/۱۸	
احتمال آماره		۰/۰۰۰	
R^2		۰/۸۱۲	
R^2 تعدیل شده		۰/۶۹۲	
آماره دوربین - واتسون		۲/۳۱	

جدول (۶): نتایج آزمون مدل دوم

$QFCF = \alpha_0 + \alpha_1 \text{ Tenure} + \alpha_2 \text{ Size} + \alpha_3 \text{ Lev} + \alpha_4 \text{ Big} + \alpha_5 \text{ New} + \alpha_6 \text{ Opin} + \varepsilon$			
متغیرها	ضریب	آماره آزمون t	سطح معناداری
مقدار ثابت	۲۷۳/۲۵	۶/۹۱۸	۰/۰۰۰
دوره تصدی حسابرسی (Tenure)	۸/۲۶۹	-۱/۸۷۵	۰/۰۳۴
اندازه (Size)	۰/۵۴۸	-۱/۱۳۵	۰/۳۶۴
نسبت بدهی (Lev)	-۵۴/۵۲۳	-۱/۸۸۷	۰/۰۸۴
نوع حسابرسی (Big)	۶۸/۲۸۷	۱/۶۵۲	۰/۱۲۳
تغییر حسابرسی (New)	-۳/۲۳۶	-۰/۲۶۱	۰/۷۹۲
نوع اظهار نظر (Opin)	-۲۳/۱۹۲	-۲/۱۱۸	۰/۰۴۴
آماره آزمون F		۲/۴۱۲	
احتمال آماره		۰/۰۰۱	
R ²		۰/۴۴۱	
R ² تعدیل شده		۰/۳۱۴	
آماره دوربین - واتسون		۲/۱۴	

با توجه به نتایج مربوط به برازش مدل دوم در جدول ۶، متغیر مستقل دوره تصدی حسابرسی در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معنادار و مثبت با متغیر تعامل بین فرصت های رشد و جریان نقد آزاد به عنوان شاخص هزینه های نمایندگی دارد. مقدار آماره دوربین-واتسون (۲/۱۴) حاکی از عدم وجود خود همبستگی است. با توجه به احتمال آماره F کل مدل رگرسیون در سطح اطمینان ۹۹ درصد معنادار است. بنابراین نتایج حاصل نشان می دهد که بین دوره تصدی حسابرسی و هزینه های نمایندگی رابطه مثبت وجود دارد که حاکی از این موضوع است که با افزایش دوره تصدی استقلال حسابرسی کاهش می یابد و به تبع آن باعث افزایش هزینه های نمایندگی میشود.

نتیجه گیری و ارائه پیشنهادات

پدیده تعویض حسابرس به عنوان ابزاری در جهت تقویت استقلال حسابرس و بهبود کیفیت حسابرسی در سالهای اخیر به زمینه مهمی در تحقیقات و مباحث حرفهای تبدیل شده است. الزام سازمان بورس و اوراق بهادار تهران به تغییر حسابرس شرکت ها مسلماً ناشی از نگرانی دست اندرکاران و مسئولان بازار سرمایه در مورد استقلال و کیفیت حسابرسی است. حامیان تغییر حسابرس بر این باورند که در صورت تغییر اجباری، حسابرسان در موقعیتی قرار می گیرند که خواهند توانست در مقابل فشارها و خواسته های مدیران مقاومت و قضاوت بی طرفانه تری را اعمال کنند. همچنین آنها تمایل حسابرسان را به حفظ صاحبکار از طریق حمایت از او دلیل دیگری برای تصویب قوانین محدود کننده مطرح میکنند.

در مقابل، مخالفان تغییر اجباری حسابرس عقیده دارند تلاش حسابرسان در جهت حفظ اعتبار و شهرت و یا ترس از احتمال طرح دعاوی حقوقی علیه آنها ساختارهایی است که مانع رفتارهای نامناسب حسابرسان میشود. آنها معتقدند حسابرسان با گذشت زمان، شناخت بهتری از فعالیت های صاحبکار به دست آورده و تجربه بیشتری کسب میکنند و کیفیت حسابرسی بهبود مییابد. به اعتقاد آنها تغییر حسابرس باعث خواهد شد اعتماد سرمایه گذاران به اتکاپذیری صورتهای مالی و اعتبار حسابرسی کاهش و همچنین هزینه های حسابرسی، برای حسابرس و صاحبکار افزایش خواهد یافت. نتایج این تحقیق نشان داد که با افزایش دوره تصدی حسابرسی، هزینه های نمایندگی افزایش می یابد. بنابراین میتوان چنین استدلال نمود که شرکت هایی که به دلیل شدت تضاد منافع در آنها دارای هزینه های نمایندگی بیشتری هستند، دارای روابط پایدارتری با حسابرس بوده و در نتیجه دوره تصدی حسابرس در آنها بیشتر است. البته این نتایج را باید با احتیاط بیشتری تفسیر نمود چرا که در ایران به واسطه ساختار دولتی اقتصاد کشور و همچنین نقشی که دولت به عنوان سهامدار در بسیاری از شرکت های دولتی بر عهده گرفته است موجب پدیدار شدن الگوی ویژه ای از رابطه نمایندگی میان مدیر و مالک گردیده است.

نتایج این تحقیق در حالت کلی هم راستا با نتایج تحقیقات بلوین و همکاران (۲۰۰۷)، چوی و دوگار (۲۰۰۵)، دیویس و همکاران (۲۰۰۰)، وانسترالن (۲۰۰۰)، کاپلی و دوسیت (۱۹۹۳)، باتز و همکاران (۱۹۸۲)، عزیزخانی و صفروندی (۱۳۹۱)، کاشانیپور و همکاران (۱۳۹۱)، کرمی و همکاران (۱۳۹۰)، نمازی و همکاران (۱۳۹۰) و رجبی (۱۳۸۵) مبنی بر تایید فرضیه استقلال حسابرس و مغایر با نتایج تحقیقات ساین (۲۰۰۴)، والکر و همکاران (۲۰۰۱)، علوی و بذرافشان (۱۳۹۲) و خلیلزاده و همکاران (۱۳۹۱) مبنی بر تایید فرضیه تخصص حسابرس میباشد.

به طور کلی، نتایج این مطالعه نگرانی سازمان بورس را در خصوص چرخش اجباری حسابرس در هر ۴ سال به منظور جلوگیری از ایجاد روابطی که ممکن است باعث خدشه دار شدن استقلال حسابرس و در نتیجه کاهش کیفیت حسابرسی شود را تایید می کند.

پیشنهادهات

۱. در صورت امکان، محققان آتی در سطح صنایع به بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی بر هزینه های نمایندگی بپردازند؛ چرا که تحلیل در سطح یک صنعت خاص، اطلاعات مفیدتری در اختیار استفاده کنندگان قرار میدهد.
۲. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی بر کیفیت حسابرسی.
۳. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی و معیارهای مدیریت سود.
۴. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی، استقلال حسابرسی و حق الزحمه حسابرسی.
۵. بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرسی با تجدید ارائه صورتهای مالی، واکنش بازار سهام و رفتار سرمایه گذاران.

محدودیتهای تحقیق

در این تحقیق به دلیل عدم دسترسی به داده های مربوط به حق الزحمه ناشی از خدمات غیرحسابرسی، اثر این متغیر که بر طبق نتایج تحقیقات پیشین به عنوان یک عامل اثرگذار بر حق الزحمه خدمات حسابرسی است، نادیده گرفته شده است. به علاوه به دلیل استخراج حق الزحمه خدمات حسابرسی از یادداشتهای همراه صورت های مالی ممکن است حق الزحمه یاد شده برابر با جمع خدمات حسابرسی و غیرحسابرسی باشد. این موضوع می تواند نتایج تحقیق را تحت تأثیر قرار دهد.

منابع و ماخذ

- ۱- خلیل زاده، محمد، بادآور نهنندی، یونس، دیانتهی دیلمی، زهرا (۱۳۹۱) "بررسی تأثیر دوره تصدی حسابرسی بر ویژگیهای کیفی سود در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال اول، شماره سوم، ۹۱-۱۰۶.
- ۲- رجبی، روح اله (۱۳۸۵)، "چالشهای تعویض حسابرسی"، مجله حسابداری رسمی، شماره ۸ و ۹، ۵۳-۶۲.
- ۳- عرب صالحی، مهدی، کاظمی، جواد، ذولفعلیزاده، مهرداد (۱۳۹۰)، "بررسی رفتارهای کاهنده کیفیت حسابرسی از دیدگاه قرارداد روانی و تعهدات عاطفی سازمانی"، مجله دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۵، ۱۲۷-۱۴۷.
- ۴- عزیزخانی، مسعود، صفروندی، علیرضا (۱۳۹۱)، "بررسی تأثیر طول دوره تصدی حسابرسی بر خطای سود پیش بینی شده در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۳، ۶۱-۷۸.
- ۵- علوی طبری، سیدحسین، رباطمیلی، مژگان، یوسفی اصل، فرزانه (۱۳۹۱)، "مسئله ی نمایندگی و قیمت گذاری خدمات حسابرسی مستقل آزمونی مبتنی بر فرضیه ی جریانهای نقدی آزاد"، بررسیهای حسابداری و حسابرسی، دوره ۱۹، شماره ۲، ۹۷-۱۲۲.

- ۶- علویطبری، سیدحسین، بذرافشان، آمنه (۱۳۹۲)، "کیفیت سود: شواهدی از نقش دوره تصدی حسابرس و تخصص در صنعت"، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال دوم، شماره هفتم، ۹۱-۱۰۱.
- ۷- کاشانیپور، محمد، مرانجوری، مهدی، مشعشعی، محمد (۱۳۹۱)، "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و اقلام تعهدی اختیاری"، دهمین همایش ملی حسابداری دانشگاه الزهراء، ۸۵-۱۰۰.
- ۸- کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه (۱۳۸۸)، "بررسی رابطه دوره تصدی حسابرس و گزارشگری سودهای محافظهکارانه در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه بورس اوراق بهادار، سال دوم، شماره ۷، ۵۵-۸۰.
- ۹- کرمی، غلامرضا، بذرافشان، آمنه، محمدی، امیر (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین دوره تصدی حسابرس و مدیریت سود"، دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۴، ۶۵-۸۲.
- ۱۰- محمدی خوشنویی، حمزه (۱۳۸۶)، "ارزیابی اثر هزینه های نمایندگی بر قیمتگذاری خدمات حسابرسی"، پایاننامه کارشناسی ارشد، اصفهان، دانشگاه اصفهان.
- ۱۱- نمازی، محمد، بایزیدی، انور، جبارزاده، سعید (۱۳۹۰)، "بررسی رابطه بین کیفیت حسابرسی و مدیریت سود شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری، شماره ۹، ۴-۲۱.
- ۱۲- ولیپور، هاشم، خرم، علی (۱۳۹۰)، "اثربخشی سازوکارهای نظام راهبری شرکت به منظور کاهش هزینه های نمایندگی"، مجله حسابداری مدیریت، سال چهارم، شماره هشتم، ۷۵-۶۱.
- 1- Bates, H. L., Ingram, R. W. and Reckers, M. J. (1982). "Auditor-client affiliation: the impact on "materiality" (a study of the effect of auditor rotation on materiality judgments)". *Journal of Accountancy*, 60-63.
- 2- Blanchard, O., F. Lopez-do-Silanes, and A. Shleifer. (1994) "What do firms do with cash windfalls?" *Journal of Financial Economics*, Vol. 36, 337-360.
- 3- Blouin, J.L, Grein, B.M and Rountree, B.(2007). "An Analysis of Forced Auditor Rotation: The Case of Former Arthur Clients", *The Accounting Review*. May, Vol. 82, No. 3, 621-650.
- 4- Chen, C. Y., Lin, C. J. and Lin, Y. C. (2004). "Audit partner tenure, audit firm tenure and discretionary accruals; does long auditor tenure impair earning quality?", *Working paper*, Hong Kong University of Science and Technology.
- 5- Choi, J. H., and Doogar, R. (2005). "Auditor tenure and audit quality: evidence from going-concern qualifications issued during 1996-2001", *Working Paper*, Hong Kong university of Science and Technology, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- 6- Copley P. and Doucet, M. (1993). "Auditor Tenure, Fixed Fee Contracts, and the Supply of Substandard Single Audits", *Public Budgeting & Finance*. Vol.13, Issue 3. 23-36.
- 7- Davis, L.R., Soo, B., and Trompeter, G. (2000). "Auditor Tenure, Auditor Independence and Earnings Management", *Working Paper*. Boston College.
- 8- Doukas, J. A. McKnight, P.J. and Pantzalis, C., (2005), "Security Analysis, Agency Costs and UK Firm Characteristics", *International Review of Financial Analysis*, 14, 493-507.
- 9- Ferguson, A. and S. Taylor,(2007), "Free cash flow, debt monitoring and audit fees: A re-examination", *Working paper*(University of New South Wales, Sydney, NSW).
- 10- Geiger M. A. and Raghunandan, K. (2002). "Auditor tenure and audit reporting failures." *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Vol. 21, Issue 1, 67-78.
- 11- Griffin, Paul, Lont, David, Sun, Yuan.(2010), "Agency Problems and Audit Fees Further Tests of the Free Cash Flow Hypothesis". *Accounting Finance*; Volume 50, Issue 2, 321-350

- 12- Gul, Ferdinand A., J. Tsui, Charles J. P. Chen. (1998). "Agency Costs and Audit Pricing: Evidence on Discretionary Accruals", *Working paper*, City University of Hong Kong.
- 13- Jensen, M.C., (1986). "Agency costs of Free Cash Flow, Corporate Finance and Takeovers", *The Accounting Review*, Vol 3, Issue 2, 323-329.
- 14- Jensen, M.C., Meckling, W. (1976). "Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and capital structure", *Journal of Financial Economics*, 3, 305-360.
- 15- Jurkus, A.F, Park, J.C. & Woodard, L.S (2010). "Women in top management and agency costs". *Journal of Business Research*, 1-7.
- 16- Levitt, A. (1998). The Numbers Game. *Speech delivered at the NYU Center for Law and Business*, New York, NY (September 28).
- 17- Paul, A. G. David, H. L. and Yuan, S. (2009). "Agency Problems and Audit Fees: Further Test of the Free Cash Flow Hypothesis", *Journal of Accounting and Finance*. Vol 50, Issue 2, 321-350.
- 18- Sinnett, W. (2004). "Are there good reasons for auditor rotation?" *Financial Executive*, Vol. 20, 29-32.
- 19- Walker, P. L. (2001). "Mandatory auditor rotation: Arguments and current evidence". *Accounting Enquiries*, Vol. 10, No. 2.